

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

بهرام رحمانی
۲۳ نومبر ۲۰۱۶

اسلام، دختران و پذیرش مسؤولیت‌های بلوغ!

این تیتري است که به‌تازگی رادیو فردا، برای مصاحبه فهمیه خضر حیدری با خانم فریبا داوودی مهاجر، فعال حقوق زنان، و حجت‌الاسلام محمدعلی الهی، امام و مؤسس دارالحکمه اسلامی امریکا در میشیگان، انتخاب کرده است.



تصویری از جشن تکلیف دختران در شیراز

سؤال این است که «آیا ۹ سالگی یا ۱۳ سالگی دختران می‌تواند سن مناسبی برای پذیرش مسؤولیت‌های بلوغ باشد؟ چرا اسلام و قوانین برآمده از شریعت، این سن را برای مسؤولیت کفیری و ازدواج دختران مناسب دانسته‌اند؟ مصاحبه‌کننده به‌درستی به‌چرایی تعیین سن ۹ سالگی برای سن بلوغ برای دختران و ۱۵ سالگی برای پسران که روی آن اجماعی در دین اسلام وجود دارد از کجا می‌آید و چه ریشه‌ای دارد؟ تأکید می‌کند.



محمدعلی الهی، روحانی شیعه ایرانی‌تبار ساکن امریکا

محمدعلی الهی، روحانی شیعه ایرانی تبار ساکن امریکا است. الهی امام و مؤسس دارالحکمه اسلامی امریکا در میشیگان است.

محمدعلی الهی، در جواب این سؤال، چنین توجیهی دارد: «... بهر حال یک اختلافی در تعریف سنین هست. اما در اسلام ما بیشتر تأکید بیشتر روی تکامل جسمی، جنسی، فکری و عقلانی نوجوانان هست تا مسأله سن، البته در قرآن نیست اما در احادیث ما گفته شده. «حد بلوغ المرأة تسع سنین و فی الذکور الخمس عشر» که برای دخترها ۹ سال و برای پسرها ۱۵ سال. در قرآن روی بلوغ بچه‌ها صحبت می‌شود، روی بلوغ جسمانی که از نظر توانائی جسمی و روحی و روانی و آمادگی برای ازدواج که اساس مسؤلیت برای افراد بالغ هست».

اما جواب خانم داوودی مهاجر، به این سؤال متفاوت است.

«اولاً در هیچ کجای قرآن به سن دختر و پسر درباره بلوغ اشاره نشده. کلمه بلوغ هم در همه جای قرآن باز به یک شکل به کار نرفته. یعنی ما یک بلوغ نکاح داریم که شروع بلوغ جنسی است، بلوغ دیگری در قرآن به آن اشاره می‌شود، بلوغ حلم، سنی است که به شایستگی و توانائی از آن تعبیر می‌شود. در سوره قصص آیه ۱۴۴ بلوغ دیگری ذکر شده که در آنجا آن بلوغ به معنای مسؤلیت‌پذیری و تشخیص است».

مصاحبه‌کننده در ادامه تکرار می‌کند: «ولی من سؤالی که می‌پرسم جوابش را نمی‌گیرم، شاید آقای الهی بهتر است از شما این‌طور بپرسم که به هر حال بلوغ با یک نوع مسؤلیت و استقلال همراه است. شما مدام راجع به تغییرات جنسی و جسمی در وجود یک دختر بچه ۹ ساله صحبت می‌کنید ولی یک دختر بچه ۹ ساله بر چه اساسی می‌تواند مسؤول باشد؟»

الهی: آنچه در اسلام مطرح است و اساس مسؤلیت است، تقویم روانی و عقلانی انسان‌ها هم هست. حالا فرض بفرمائید یک دختری ۹ ساله است ولی از لحاظ روحی و روانی و جسمانی و عقلانی آمادگی زیاد برای قبول مسؤلیت‌های زیاد ندارد؛ این دختر ممکن است در این سن و سال نتواند روزه بگیرد «لا یکلف الله نفساً الا وسعها». کسی نمی‌تواند شما را مکلف و مجبور به انجام کاری کند که شما طاقت و توانائی آن کار را ندارید.

حالا فرض بفرمائید سن ۹ سال را قرار دادیم، حتی سن ۱۵ سال را هم قرار دادیم ولی این شخص آمادگی برای یک سری مسؤلیت‌ها را ندارد که مسأله دیگری است که اسلام جواب آن را داده است. در قاعده «لا حرج» و در قاعده «لا ضرر» می‌گوید اگر چیزی برای شما ضرری ایجاد نکند و فوق توانائی شما باشد در آن صورت شما مسؤولیتی ندارید. وقتی یک نفر بچه است و هنوز به مرحله بلوغ، و مرحله احتلام و یا حیض یا تعقل نرسیده مسؤولیتی ندارد».

مصاحبه‌کننده: آقای الهی باز شما از حیض و احتلام می‌گوئید. باز از فزیک صحبت می‌کنید. خانم داوودی مهاجر شما چه پاسخی می‌توانید به این نکته بدهید؟

داوودی مهاجر: «اتفاقاً قاعده «لا ضرر» کاملاً در تعارض است. در قانون اساسی هم در اصل چهلم ما قاعده «لا ضرر» را داریم. در این اصل می‌گوید هیچ‌کس حق ندارد به دیگری طبق نص قرآن ضرر برساند ولی شما می‌بینید در قانون مربوط به ازدواج سن دختران و یا پسران را سنی قرار می‌دهند که اتفاقاً این ضرر نه تنها فرد را مورد هدف قرار می‌دهد بلکه ضرر را متوجه منافع عمومی یک کشور می‌کند.

من خودم فکر می‌کنم ریشه این تعارض‌ها و نابرابری‌هایی که در قوانین وجود دارد را باید در فقه جست و جو کرد. آن وقت با پدیده ازدواج اجباری روبه‌رو می‌شوید، با خودکشی و خودسوزی روبه‌رو می‌شوید، با مرگ و میر مادران و سقط جنین‌هایشان روبه‌رو می‌شوید».

الهی: البته من این مسأله را عرض کنم که صرف این که بگوئیم سن ۹ سال سن کمی هست، و حتی ۱۳ سال هم کم هست و بیانییم مثل مذاهب اربعه، یا حتی در قوانین امریکا که الان بعضی ایالت‌ها ۱۸ سال است و در ایالت ما، میشیگان، ۱۷ سال هست، می‌خواهم بگویم این‌جا هم این مشکلات هست. حالا فرض بفرمائید بگوئیم این ۱۹ سال ایراد دارد، بگوئیم ۱۷ سال. آیا در آن صورت مشکلاتی که خانم فریبا (داوودی مهاجر) اشاره کردند مثل افسردگی بچه‌ها و خودکشی‌ها و این گرفتاری‌ها، آیا واقعاً حل می‌شوند؟»

الهی، باز در توجیه جواب خود می‌گوید: «نه من می‌خواهم بگویم این که ما همه کاسه کوزه‌ها را سر این عدد ۹ خراب کنیم، مشکل را حل نکرده‌ایم. آن‌ها آمده‌اند آن مفهوم قرآنی را بر اساس شرایط اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی زمان خودشان انتخاب کرده‌اند. اسلام هم دین اجتهاد و تعقل هست. دینی جهانی است برای همه زمان‌ها و مکان‌ها...» اما در این مصاحبه، یکی از شگردهای الهی، مدام تأکیدش بر شباهت‌های قوانین امریکا و حکومت اسلامی ایران است. «آقای الهی شما می‌خواستید نکته‌ای را در پاسخ به خانم داوودی مهاجر بگوئید؛ چون مدام بین جامعه ایران و امریکا مقایسه می‌کنید من می‌خواهم نکته شما را بشنوم.»

الهی: «بله. ما می‌بینیم که حتی در جامعه غربی مثلاً اگر به ۱۰۰ سال گذشته نگاه کنید، ازدواج زیر ۱۰ سال خیلی عادی بوده، اصلاً یک چیز معمول بوده، در اروپا، امریکا و همه جا. خب الان در صد سال اخیر این قوانین درست شده و این موضوع را ممنوع کرده. منتها همین الان در همین جا هم که اگر فردی، دختری زیر ۱۸ سال، مثلاً ۱۶ سال باشد، این‌ها می‌توانند از دادگاه اجازه بگیرند و این دختری که زیر سن قانونی اگر قاضی قانع بشود، می‌تواند این ازدواج را صورت بدهد. در بعضی ایالت‌ها این مسأله مطرح است.»

«آقای الهی این که تحت شرایط استثنائی خانواده‌ای بخواهد اجازه چنین کاری را بگیرد آیا با این که قانون در کشوری این باشد، یکی است؟ و قانون هم ریشه‌اش فقه و شریعت اسلام است...»

الهی، ناگهان ادعا می‌کند که در ایران، عملاً ازدواج دختران در سنین پائین وجود ندارد، می‌گوید: «اولاً آن‌هایی که ۹ سال و یا ۱۳ سال سن دارند، مجبور نیستند ازدواج کنند. الان عملاً در ایران چنین چیزی وجود ندارد.» واقعاً الهی نمی‌داند که در قرآن‌شان، همواره مرد برجسته است و زن فرودست! حتی قرآن اجازه داده است مردان زنان «نافرمان» خود را بزنند و به این اعتبار قرآن و رساله‌های روحانیون و احادیث، خود یک پای مبلغ خشونت بر زنان هستند.

این ادعای الهی را نه مصاحبه‌کننده و نه داوودی نمی‌پذیرند و داوودی با آمار و ارقام نشان می‌دهد که ده‌ها هزار دختر ۹ ساله در ایران ازدواج کرده‌اند.

«آقای الهی پرسش دیگر من این است؛ چرا سن بلوغ اساساً برای دختران پائین‌تر از سن بلوغ برای پسران در نظر گرفته شده. این را چه استدلالی برایش دارید؟»

الهی: «استدلال طبیعت؛ چه علمای دینی و چه علمای اجتماعی و روانشناسان همه معتقد هستند پیشرفت دخترها و آمادگی آن‌ها برای قبول مسؤلیت‌هایی مانند ازدواج هم از نظر رشد بدنی و هم از لحاظ رشد روانی جلوتر از پسران هستند.»

«آقای الهی اگر به ریشه‌ها برگردیم و نگاه کنیم، وقتی پیامبر اسلام با عایشه ۹ ساله ازدواج می‌کند آیا این بعنظر شما یکی از دلایل تعیین و انتخاب سن ۹ سالگی برای بلوغ و ازدواج دختران بوده؟»

در جواب این سؤال، الهی، سن ازدواج عایشه با محمد ۵۴ ساله را از نه سالگی به ۱۷ و حتی ۱۹ سالگی ارتقاء می‌دهد تا هر چه بیشتر توجیحات مذهبی خود را قابل قبول‌تر نشان دهد. و کاشف سن عایشه نیز، جز خودش کس دیگری نیست.

الهی: «نه اصلاً. اولاً نگاه کنید مسأله سن عایشه مسأله اختلافی است و تحقیقاتی که من انجام دادم به این نتیجه رسیدم که ازدواج پیامبر با عایشه در سن ۱۷ سالگی بوده و ازدواج واقعی در سن ۱۹ سالگی. عایشه زمانی که پیغمبر به رسالت مبعوث شدند چهار ساله بودند و بنابراین در ۱۳ ام بعثت ایشان ۱۷ ساله شدند که در همان سال عقد خوانده شد ولی در سال دوم هجری در مدینه انجام شد که در آن زمان عایشه ۱۹ ساله بودند.

حالا این‌که یک عده از نیروهای اسلام‌ستیز، اسلام‌فوبیا، حتی این را به‌کار می‌برند، حتی من یادم هست نیویورک بودم و آن آقای شان هنتی در فاکس نیوز از من سؤال کرد و گفت عایشه اصلاً ۶ سالش بود. گفتم این یک دروغ بزرگ است.»

در این جا، داوودی مهاجر از او سؤال می‌کند: «حضرت فاطمه در چند سالگی ازدواج کردند؟»

الهی، به‌جای جواب دادن صریح به این سؤال روشن و شفاف، بحث را منحرف می‌کند و می‌گوید: «خود این‌ها وقتی به‌سفر پیدایش در عهد عتیق نگاه بکنند گفته می‌شود حضرت اسحاق ۴۰ سال داشت که با ربکا ازدواج کرد و مفسرین توراتی به‌صورت مشروع می‌گویند ۱۰ سال داشته اما من برخی از تفاسیر توراتی را که نگاه می‌کردم، می‌گوید ربکا اصلاً ۳ سالش بود که ازدواج کرد. یعنی می‌خواهم بگویم آن‌هایی که این مسأله را علیه پیغمبر اسلام به‌کار می‌برند فراموش کردند که اگر شما برگردید به هزار سال، دو هزار سال قبل برگردید مسائل بسیار زیادی را می‌توانیم بحث کنیم.»

پس از شنیدن و خواندن این مصاحبه از رادیو فردا، تلاش کردم که ببینم این حجت‌الاسلام الهی، امام و مؤسس دارالحکمه اسلامی آمریکا در میشیگان کیست که این چنین از قوانین زن‌ستیز اسلامی و حکومت اسلامی دفاع می‌کند؟ حال تصور کنید؛ این حجت‌الاسلام محمدعلی الهی، ۲۴ سال است که در آمریکا زندگی می‌کند و هم اینک رئیس مؤسسه دارالحکمه اسلامی در ایالت میشیگان این کشور است. او در مصاحبه با سرویس بین‌الملل خبرگزاری «حوزه»، ضمن اشاره به‌فعالیت‌های این مؤسسه، وضعیت مسلمانان آمریکا به‌ویژه در ایالت میشیگان را تشریح کرد.

او در پاسخ به این سؤال که آیا مؤسسه دارالحکمه آمریکا با مؤسسه‌ای به‌همین نام در تورنتو نسبتی دارد یا خیر گفت: «آن‌ها در کانادا هستند و فقط تشابه اسمی است. یک مقدار فعالیت‌ها هم با هم فرق دارد. فعالیت‌های مؤسسه شامل کارهای فرهنگی، کارهای مسجدی و کارهای مدرسه می‌شود؛ در واقع تأکید روی خانواده‌ها، جوان‌ها، اهمیت دادن به‌مسأله interfaith یا صحبت ادیان، صحبت بین شیعه و سنی، بین مسلمان و مسیحی، توجه به‌نقش رسانه‌ها و تشویق مسلمان‌ها به‌مشارکت در مسائل اجتماعی و در واقع با محیط و شرکت در معرفی قولی و عملی ارزش‌های اسلامی به‌سایر مردم در آمریکا، اجمالی از کارهای مؤسسه به‌شمار می‌رود.

الهی در خصوص وضعیت مسلمانان ایالت میشیگان گفت: ما در شهر سن‌دیه گو هستیم که برخی می‌گویند پایتخت مسلمان‌هاست، البته در سایر ایالت‌ها هم مسلمان‌ها زیاد هستند منتهی در آن‌جا یک تمرکزی هست و حضور مسلمان‌ها جنبه تاریخی دارد؛ شاید بیشتر از هفتاد هشتاد سال هست که مسلمانان در این منطقه زندگی می‌کنند. البته آمار دقیقی نداریم اما گفته می‌شود که بین دویست تا سیصد هزار مسلمان در این منطقه زندگی می‌کنند.

او در این مصاحبه ادعا می‌کند که «اکثریت مردم امریکا، هنوز نسبت به اسلام جاهل‌اند و این ناآگاهی آن‌ها، باعث می‌شود که تبلیغات بعضی از رسانه‌هایی که تحت نفوذ صهیونیستی هستند و هدفشان اسلام‌زدایی هست و اسلام هراسی را دنبال می‌کنند، تأثیر منفی بگذارد. حالا چه جرایم داعش یا القاعده یا بقیه، این بهانه خوبی به این‌ها می‌دهد در واقع اسلام‌ستیزی را تقویت می‌کند».

می‌بینم این حجت‌الاسلام امریکانشین، همان مواضعی را دارد که خامنه‌ای، روحانی، اما جمعه‌ها و مداحان حکومت اسلامی دارند. بنابراین، یکی از وظایف مهم این حجت‌الاسلام، هدایت اکثریت مردم جاهل امریکا به سوی رستگاری و آگاهی اسلامی است تا از جهالت نجات پیدا کنند و به‌راه راست هدایت شوند!

اما در هر صورت مهم‌ترین وظیفه این حجت‌الاسلام فرستاده حکومت اسلامی ایران به امریکا، رشد و گسترش و تعمیق لابی‌های حکومت اسلامی در این کشور پهناور است. به‌علاوه تفکر این حاجی آقا به سادگی نشان می‌دهد که تغییر مکان چندان ربطی به تغییر تفکر و اهداف و سیاست‌ها ندارد مگر این که فرد بخواهد تجربه‌های شخصی و کشور خود را به تجربه‌های جامعه جدید و تجارب دیگران و جهان بارور کند و به یک نتیجه و فکر جهان‌شمول انسانی و برابری‌طلب و عادلانه برسد و دست‌کم از افکار ارتجاعی ملی، مذهبی، شوونیستی، فاشیستی، مردسالاری و غیرانسانی دور شود.

الهی، با بیان این‌که مردم امریکا لزوماً تابع و موافق سیاست‌مداران امریکائی نیستند، ادعا کرد: «... به‌عقیده من خیلی‌هایشان با این سیاست‌ها موافق نیستند و حتی خیلی‌ها هستند که بسیار ضد امریکائی‌تر از ایرانی‌هایی هستند یعنی شعارهایشان خیلی تندتر است و هیچ‌تحملی به‌سیاست‌های دولت خودشان ندارند و این مرگ بر امریکا را که در ایران گفته می‌شود، جدی‌تر می‌گویند».

رئیس مؤسسه دارالحکمه امریکا، تأکید می‌کند: «گاهی ممکن است یک نفر در ایران شعار مرگ بر امریکا بدهد اما به‌خوبی از شعار خود دفاع نکند اما آن‌هایی که در امریکا هستند و مخالف سیاست‌های امریکائی‌اند، یک درک دقیق و جزئی و علمی‌تر دارند و جزئیات را می‌دانند تاریخ امریکا را می‌دانند...»

تا این‌جا روشن شد که حجت‌الاسلام الهی، اولاً وظیفه مهم شرعی و دینی و حکومتی دارد تا اکثریت مردم امریکا که اسلام را نمی‌شناسند و به همین دلیل نیز به گفته او، در جهالت به‌سر می‌برد با تفکر و معجزه اسلامی، یعنی با تفکر حکومت‌های اسلامی و گروه‌های اسلامی همچون حکومت اسلامی ایران، حزب الله، القاعده، داعش و...، از این وضعیت نجات دهد. دومین وظیفه او این است که همه جنایات اسلام را با شرکت در میزگرد رسانه‌ها و سخنرانی‌هایش به‌عنوان امام جماعت میثیگان، توجیه‌پذیر کند. سومین شعار مرگ بر امریکا را نیز البته به‌نام شهروندان امریکا تبلیغ و ترویج کند. چهارم این که لابی حکومت اسلامی ایران را در امریکا فعال نگه دارد. و...

اما برگردیم به بحث سن ازدواج دختر بچه‌ها در قوانین اسلامی و الهی و حکومت اسلامی ایران، عراق، عربستان و... همچنین گروه‌های اسلامی همچون داعش، بوکوحرام، القاعده و...

عقیده بین مشهورترین علمای اهل سنت و برخی از علمای تشیع این است که عایشه هنگام عقد ازدواج به‌پیامبر اسلام محمد، شش ساله و هنگامی که نه ساله بوده به‌خانه محمد رفته است. (طبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۹؛ طبری، ج ۲، ص ۴۱۳)

عایشه خودش گفته است: «من شش ساله بودم و همسر دیگر پنجاه ساله»! (مسند احمد بن حنبل)

وبسایتی به نام «برهان»، مطلبی تحت عنوان «ازدواج مردی ۵۰ ساله با دختری ۶ ساله؛ در مورد ازدواج پیامبر(ص) با عایشه»، در تاریخ چهارشنبه ۲ اسفند [حوت] ۱۳۹۱، در دفاع از اسلام و محمد نوشته شده است اما نام نویسنده معلوم نیست.

در مقدمه این مطلب می‌خوانیم:

«در این پست می‌خواهیم در مورد ازدواج پیامبر(ص) و عایشه صحبت کنیم. چون افراد ضد اسلام و ضد دین خیلی به این قضیه ایراد می‌گیرند که نعوذ بالله از دواج با دختری ۶ ساله فقط به قصد شهوترانی بود و پیامبر(ص) العیاذ بالله فردی شهوتران بود.

مطلب در دو بخش تقدیم می‌شود. مطلب اول بررسی سن عایشه با استفاده از منابع اهل تسنن است که بررسی کنیم عایشه واقعاً آیا در زمان ازدواج با پیامبر(ص) ۶ ساله بوده یا بیش‌تر. و مطلب بعدی هم در مورد اختلاف سنی در ازدواج و بحث شهوت در ازدواج که کلی است.» (برگرفته شده از وب‌نوشت: <http://borhan.blog.ir>)
نویسنده و یا نویسندگان این مطلب؛ تلاش می‌کنند با آوردن فاکت و تاریخ‌هایی نشان بدهند که سن عایشه بالاتر بوده و مانند حجت‌الاسلام الهی، حتی به اعداد ۱۷ و ۱۹ ساله نیز بالا ببرند تا پدوفیلیسم و تجاوز پیامبرشان به این دختر بچه سرپوش بگذارند.

اما بخش جالب این مطلب درباره ازدواج و شهوترانی محمد است. در این مطلب، تلاش شده است که تصور دیگری از اعمال و روحیات و تفکر محمد، از جمله قدرت و غصب و خوردن و لذت بردن و شهوترانی‌اش نشان دهند.

«در باب اختلاف سنی در ازدواج و مسأله شهوت

«عوام نباشیم

انسانی که فاقد شهوت باشد، یقیناً انسانی است معیوب. قوه شهوت یکی از قوای وجودی آدمی است، که ضعف آن به معنی ضعف وجودی شخص است در یکی از شؤون وجودی‌اش. لذا انسان کامل همان‌گونه که در سایر قوای وجودی خویش، اکمل مردم می‌باشد، از حیث قوت شهوانی نیز برتر از دیگران است؛ تا آنجا که محمد از حیث قوت شهوانی نیز برتر از دیگران است؛ تا آنجا که گفته‌اند: «رسول الله(ص) قوت شهوانی چهل مرد را داشته است؛ کما این‌که در زور بازو و قدرت عقل و قوه غضب (قوه دافعه) نیز برتر از دیگران بود. رسول الله(ص)، در خوردن بهتر از همه می‌خورد؛ چون حرام و شبهه‌ناک نمی‌خورد. از گوشت حیوانات، به سر دست علاقه داشت و می‌فرمود: قسمت عقب حیوان به فضولاتش نزدیک‌تر است. مرغ را در خانه می‌پرورد تا نجاست‌خواری نکنند. خرما را بسیار دوست داشت. و اگر غذایی را دوست نداشت نمی‌خورد. اما مثل سف‌ها اهل شکم‌چرانی و همه چیز خواری نبود. در لباس، بهترین را می‌پوشید که لباس حلال، تمیز، با رنگ روشن، و اغلب از پشم یا پنبه بود. اما مثل سف‌ها اهل تجمل در لباس نبود. بوی خوش را دوست می‌داشت؛ و بیش‌ترین هزینه را صرف عطر می‌کرد؛ و زیادی همسر را از خصال انبیاء می‌دانست. شجاعت علوی شعبه‌ای از شجاعتش بود، و اگر بر کسی خشم می‌گرفت، دنیا در پیش چشمان آن شخص جهنم می‌شد. و ...

آنچه شهوت و غضب و وهم را بدنام نموده، این است که در اکثر افراد بشر، عقل به‌فعلیت نرسیده و حاکم مملکت وجود افراد نیست؛ لذا این سه قوه در مسیر تکامل حیوانی قرار گرفته‌اند. البته تکامل در بعد حیوانی نیز به‌خودی خود بد نیست؛ لکن رشد در بعد حیوانی وقتی با رشد در بعد انسانی مورد مقایسه قرار می‌گیرد، آن‌ها نقص تلقی می‌شوند.

حضرت رسول الله (ص) اهداف گوناگونی از ازدواج‌های خود داشتند؛ ولی در هر ازدواجی، شهوت جنسی زیربنای کار است. اگر کسی می‌گوید من غرض جنسی از ازدواج ندارم، دانسته یا ندانسته دروغ می‌گوید. اگر نبود آن هرمون‌های جنسی - که ایجاد میل به جنس مکمل می‌کنند - هیچ و مردی زن نمی‌گرفت و هیچ زنی شوهر نمی‌کرد. لذا ملاحظه می‌فرمائید که افراد خواجه (فاقد هرمون‌های جنسی) و نیز افراد اخته شده، هیچ میلی به جنس مکمل ندارند. رسول خدا (ص) نیز یک انسان بود؛ و البته انسانی بود که تمام قوای وجودی‌اش در بهترین وضعیت قرار داشت. پس چرا نباید میل به زنان می‌داشت؟! مردی که میل به زن و زیبایی و زنان جوان نداشته باشد، اساساً در مردی او مشکل است. بلی چشم‌چرانی و دست‌درازی به نوامیس دیگران و بی‌بند و باری جنسی امری است مردود و خلاف اخلاق، اما ازدواج با بهترین و گواراترین گزینه، امری است طبیعی. همان‌گونه که میل به غذای خوب و مطبوع امری است طبیعی؛ اما بشرطی که از راه حلال به دست آید».

در ادامه این مطلب، آمده است؛ «در باره اختلاف سنی در ازدواج، آیا نظر مردم یعنی حق؟!»
 «از نظر اسلام، انسان به‌ویژه زن هیچ حقی ندارد چرا که نه فایده داشتن ملاک حق است و نه پذیرش اکثریت؛ بلکه تنها ملاک حق و باطل، فرمان خداست. یعنی اساساً غیر خدا حق ندارد برای کسی راه و چاه نشان دهد و درست و نادرست و حق و باطل تعریف کند. حتی خود افراد نیز حق ندارند برای خودشان حق و باطل تعریف کنند. نه اطاعت از میل فردی خاص، نه اطاعت از میل شخصی خود و نه اطاعت از میل جمعی مردم. هر سه این‌ها شرک به خداست. تنها کسی حق را بیان می‌کند خداست؛ و تنها کسی که حق فرمان دارد، اوست؛ و تنها کسی که باید اطاعت شود نیز اوست. اگر پیغمبر و امام معصوم نیز اطاعت می‌شوند، صرفاً از آن جهت است که ابلاغ‌کننده فرمان خدا هستند و از پیش خود فرمان نمی‌دهند.

خداوند فرمود:

«قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَ كَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضُ الْحَقَّ وَ هُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ - بگو: من دلیل روشنی از پروردگارم دارم؛ و شما آن را تکذیب کرده‌اید؛ آنچه شما در باره آن عجله دارید، به دست من نیست. حکم و فرمان، تنها از آن خداست؛ که حق را از باطل جدا می‌کند، و او بهترین جداکننده است.» (الأنعام: ۵۷)

خداوند به رسولش می‌فرماید: «بگو:

اولاً من سر خود حرف نمی‌زنم و به‌میل خود رفتار نمی‌کنم؛ بلکه ابتداء با بی‌بینه (معجزه) اثبات می‌کنم که از جانب خدا و طبق فرمان او رفتار می‌کنم؛ و آن‌گاه از شما می‌خواهم که تابع من باشید».

همچنین فرمود:

«ما تَعْبُدُونَ مِن دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ - این معبودهائی که غیر از خدا می‌پرستید، چیزی جز اسم‌های (بی‌مسما) که شما و پدران‌تان آن‌ها را خدا نامیده‌اید، نیستند؛ خداوند هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده؛ حکم تنها از آن خداست؛ فرمان داده که غیر از او را نپرستید! این است آئین پایرجا؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.» (یوسف: ۴۰)

آیه‌ای دیگر در باب نظر اکثریت مردم.

«وَ إِنْ تَطَعْتَ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ - اگر از بیش‌تر کسانی که در زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می‌کنند. آن‌ها تبعیت نمی‌کنند مگر از ظن و گمان؛ و نیستند مگر کسانی که حدس و تخمین می‌زنند.» (الأنعام: ۱۱۶)



«فاطمه زهرا» نیز در سال پنجم بعثت به دنیا آمد و شش ساله بود که مادرش «خدیجه» فوت کرد. در سال دوم هجرت با علی امام اول شیعیان ازدواج کرد. بنابراین سن حضرت زهرا هنگام ازدواج با علی حدود نه یا ده ساله بوده است. علی، ده ساله بود که محمد در چهل سالگی پیامبری خود را اعلام کرد. او سیزده سال همراه پیامبر در مکه و شعب ابی طالب به سر برد. دو سال بعد از هجرت با فاطمه ازدواج کرد. بنابراین، علی هنگام ازدواج ۲۵ ساله بود. (حسین عمادزاده، چهارده معصوم، ج ۱، ص ۳۷۳)

خشونت در قرآن

- ۱- بکشید در راه خدا که خدا به گفتار و کردار خلق شنوا و داناست. (قرآن، سوره بقره، آیه ۲۴۴)
- ۲- شما ای اهل ایمان کافران را بکشید و با آنان کارزار کنید تا خدا آنان را به دست شما عذاب کند و خوار گرداند. (قرآن، سوره توبه، آیه ۱۴)
- ۳- آنان در دین تمسخر و طعن زنند، آنان را بکشید که آنان را سوگند استواری نیست، تا از ترس شمشیر از طعن زدن به اسلام بس کنند. (قرآن، سوره توبه، آیه ۱۲)
- ۴- و مرد و زن دزد را به سزای آنچه کرده اند دستشان را به عنوان کیفری از جانب خدا ببرید و خداوند توانا و حکیم است. (قرآن، سوره مائده، آیه ۳۸)
- ۵- دوست دارند همچنان که خود به راه کفر میروند شما نیز کافر شوید تا برابر گردید. پس با هیچ یک از آنان دوستی مکنید تا آنگاه که در راه خدا مهاجرت کنند. و اگر سر باز زدند در هر جا که آن‌ها را بیابید بگیرید و بکشید و هیچ یک از آن‌ها را به دوستی و یاری برنگزینید. (قرآن، سوره النساء، آیه ۸۹)
- ۶- خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده، آن‌ها که در راه خدا جهاد کنند و دشمنان دین را به قتل رسانند و یا خود کشته شوند. (قرآن، سوره توبه، آیه ۱۱۱)
- ۷- ای اهل ایمان هر که از اهل کتاب (یهودی و نصاری) که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده و آنچه را خدا و رسولش حرام کرده، حرام نمی‌دانند بکشید تا آنگاه با ذلت تواضع به اسلام جزیه دهند. (قرآن، سوره توبه، آیه ۲۹)
- ۸- هر جا که آن‌ها را بیابید بکشید و از آنجا که شما را رانده‌اند، برانیدشان، که فتنه از قتل بدتر است. و در مسجد الحرام با آن‌ها جنگید مگر آن‌که با شما بجنگند. و چون با شما جنگیدند بکشیدشان که این است پاداش کافران. (قرآن، سوره بقره، آیه ۱۹۱)

- ۹- و آن‌گاه را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: من با شما می‌باشم. شما مؤمنان را به پایداری وادارید. من در دل‌های کافران بیم خواهم افکند. بر گردن‌هایشان بزینید و انگشتان‌شان را قطع کنید. (قرآن، سوره انفال، آیه ۱۲)
- ۱۰- ای اهل ایمان با کافران از هر که به شما نزدیکتر است شروع کنید و آنان را بکشید، و باید کفار در شما درشتی و نیرومندی و قوت پایداری حس کنند و بدانید که خدا همیشه یار پرهیزکاران است. (قرآن، سوره توبه، آیه ۱۲۳)
- ۱۱- پس چون ماه‌های حرام به سر آمد آن‌گاه مشرکان را هر جا یافتید به قتل رسانید. و آن‌ها را دستگیر و محاصره کنید. و هر سو در کمین آن‌ها باشید. چنان‌چه توبه کردند و نماز به پای داشتند و زکات دادند پس از آن‌ها دست بردارید. که خدا آمرزنده و مهربان است. (قرآن، سوره توبه، آیه ۵)
- ۱۲- چون با کافران روبه رو شدید، گردن‌شان را بزینید. و چون آن‌ها را سخت فرو فکندید، اسیرشان کنید و سخت ببندید. آنگاه یا به منت آزاد کنید یا به فدیة. تا آن‌گاه که جنگ به پایان آید. و این است حکم خدا. و اگر خدا می‌خواست از آنان انتقام می‌گرفت، ولی خواست تا شما را به یکدیگر ببازماید. و آنان که در راه خدا کشته شده‌اند اعمال‌شان را باطل نمی‌کند. (قرآن، سوره محمد، آیه ۴)
- ۱۳- اگر در راه خدا کشته شوید در آن جهان به رحمت و آمرزش خدا نائل شوید و ان بهتر از هر چیز است که در حیات دنیا برای خود فراهم توان آورد. (قرآن، سوره آل عمران، آیه ۱۵۷)
- ۱۴- ای مؤمنان کافران را بکشید که در زمین فتنه و فساد دیگری نماند و آئین همه دین خدا گردد. (قرآن، سوره انفال، آیه ۳۹)
- ۱۵- اینان لعنت شدگانند. هر جا یافته شوند باید دستگیر گردند و به سختی کشته شوند. (قرآن، سوره احزاب، آیه ۶۱)
- ۱۶- مؤمنان باید در راه خدا، آنان را که حیات مادی دنیا را بر آخرت برگزیدند بکشند و هر کس در جهاد در راه خدا کشته شد و یا فاتح گردید زود باشد که او را در بهشت ابدی اجر عظیم دهیم. (قرآن، سوره نساء، آیه ۷۴)
- ۱۷- اهل ایمان در راه خدا و کافران در راه شیطان می‌جنگند، پس شما مؤمنان با دوستان شیطان قتال کنید که مکر و سیاست شیطان بسیار سست و ضعیف است. (قرآن، سوره نساء، آیه ۷۶)
- ۱۸- و آن گروه از مشرکان را (از یهودان) که پشتیبان و کمک مشرکان بودند خدا از حصار و سنگرهاشان فرود آورد و در دل‌شان از شما مسلمین ترس افکند تا آن گروهی از آن‌ها را به قتل رسانیده و گروهی را اسیر گردانیدند. (قرآن، سوره احزاب، آیه ۲۶)
- ۱۹- ای مؤمنان نه شما بلکه خدا کافران را کشت و ای رسول چون تیری افکندی نه تو بلکه خدا افکند. (قرآن، سوره انفال، آیه ۱۷)
- ۲۰- ای کشته باد انسان چرا تا این حد کفر می‌ورزد. (قرآن، سوره عبس، آیه ۱۷)
- ۲۱- همانا کیفر آنان که با خدا و رسول او به جنگ برخیزند و در زمین به فساد کوشند جز این نباشد که آن‌ها را به قتل رسانند یا به دار کشند و یا دست و پایشان به خلاف ببرند، یا با نفی بلد و تبعید از سرزمین صالحان دور کنند، این ذلت و خواری عذاب دنیوی آن‌هاست و اما در آخرت باز در دوزخ به عذابی بزرگ معذب خواهند بود. (قرآن، سوره مائده، آیه ۳۳)
- ۲۲- اگر در راه خدا کشته شوید به سوی خدا گردآورده می‌شوید. (قرآن، سوره آل عمران، آیه ۱۵۸)
- ۲۳- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مشرکان نجسند و از سال بعد نباید به مسجد الحرام نزدیک شوند، و اگر از بینوایی می‌ترسید، خدا اگر بخواهد به فضل خوش بی‌نیازتان خواهد کرد. زیرا خدا دانا و حکیم است. (قرآن، سوره التوبه، آیه ۲۸)

۲۴- و یهود و نصاری گفتند مسیح پسر خداست این سخنان را که این‌ها بر زبان می‌رانند خود را به کیش کافران مشابه می‌کنند، خدا آنان را بکشد. (قرآن، سوره توبه، آیه ۳۰)

تبلیغ خشونت بر زنان در قرآن

- ۱- و کسانی که زنان خود را به زنا متهم می‌کنند، اگر نتوانند ۴ شاهد پیدا کنند می‌توانند خود چهار بار شهادت بدهند در راه خدا که او از راستگویان است. (قرآن، سوره نور، آیه ۶)
- ۲- زنان کشتزار شما هستند. هر جا که خواهید به کشتزار خود درآئید. و برای خویش از پیش چیزی فرستید و از خدا بترسید و بدانید که به نزد او خواهید شد. و مؤمنات را بشارت ده. (قرآن، سوره بقره، آیه ۲۲۳)
- ۳- و از زنان شما آنان که مرتکب فحشاء می‌شوند، از چهار تن از خودتان بر ضد آن‌ها شهادت بخواهید. اگر شهادت دادند آن‌ها را در خانه محبوس کنید تا مرگشان فرا رسد یا خدا راهی در پیش پایشان نهد. (قرآن، سوره نساء، آیه ۱۵)
- ۴- مردان، از آن جهت که خدا بعضی را بر بعضی برتری داده است. و از آن جهت که از مال خود نفقه می‌دهند، بر زنان تسلط دارند. پس زنان شایسته، فرمانبردارند و در غیبت شوی عقیقت و فرمان خدای را نگاه می‌دارند. و آن زنان را که از نافرمانی‌شان بیم دارید، اندرز دهید و از خوابگاه‌شان دوری کنید و به زدن تنبیه‌شان کنید. اگر فرمانبرداری کردند، از آن پس دیگر راه بیداد پیش مگیرید. و خدا بلند پایه و بزرگ است. (قرآن، سوره النساء، آیه ۳۴)
- ۵- اگر شمارا بیم آن است که در کار یتیمان عدالت نورزید، از زنان هر چه شما را پسند افتد، دو یا سه یا چهار، به نکاح خود در آورید. و اگر بیم آن دارید که به عدالت رفتار نکنید تنها یک زن بگیرید و یا چنانچه کنیزی دارید به آن اکتفا کنید. این نزدیک تر است به عدالت تا مرتکب ستم نشوید. (قرآن، سوره نساء، آیه ۳)
- ۶- و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه دارند و زینت‌های خود را جز آن مقدار که پیداست آشکار نکنند و باید سینه و دوش خود را به مقنعه ببوشانند و زینت جمال خود را آشکار نکنند، جز برای شوهر خود یا پدر خود یا پدر شوهر خود یا پسر خود یا پسر شوهر خود یا برادر خود یا پسر برادر خود یا پسر خواهر خود یا زنان همکیش خود، یا کنیزان ملکی خود، یا مرد یا کودکانی که از عورت و محارم زنان آگاه نیستند و نیز چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینت و خلخال که پنهان کرده اند دانسته شود. ای مؤمنان همگان به درگاه خدا توبه کنید، باشد که رستگار گردید. (قرآن، سوره نور، آیه ۳۱)
- ۷- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به قرض و نسبه معامله می‌کنین تا زمانی معین. سند و نوشته در میان باشد. و باید در بین شما کاتبی باشد که آن را به درستی بنویسد. و کاتب نباید که در نوشتن از آنچه خدا به او آموخته است سرپیچی کند. و مدیون امضاء کند و از الله، پروردگار خود بترسد و از آن هیچ نکاهد. اگر مدیون سفیه یا صغیر بود یا خود امضاء کردن نمی‌توانست، ولی او از روی عدالت امضاء کند. و دو شاهد مرد به شهادت گیرید. اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن که به آن‌ها رضایت دهید شهادت بدهند، تا اگر یکی فراموش گردد دیگری به خاطر بیاورد. و شاهدان چون به شهادت دعوت شوند، نباید از شهادت خود داری کنند. و از نوشتن مدت دین خود، چه کوچک و چه بزرگ، ملول نشوید. این روش در نزد خدا عادلانه‌تر است، و شهادت را استوار دارنده تر و شک و تردید را زایل کننده‌تر. و هرگاه معامله نقدی باشد اگر برای آن سندی ننویسند مرتکب گناهی نشده‌اید. و چون معامله‌ای کنید، شهادتی گیرید. و نباید به کاتب و شاهد زبانی برسد، که اگر چنین کنید نافرمانی کرده‌اید. از خدای بترسید. خدا شما را تعلیم می‌دهد و او بر هر چیزی آگاه است. (قرآن، سوره بقره، آیه ۲۸۲)

۸- پس اگر باز زن را طلاق داد دیگر بر او حلال نیست، مگر آن‌که به نکاح مردی دیگر در آید، و هرگاه آن مرد زن را طلاق دهد، اگر می‌دانند که حدود خدا را رعایت می‌کنند رجوع‌شان را گناهی نیست. این‌ها حدود خدا است که برای مردمی دانا بیان می‌کند. (قرآن، سوره بقره، آیه ۲۳۰)

۹- خدا در مورد فرزندان‌تان به شما سفارش می‌کند که سهم پسر برابر سهم دو دختر است. و اگر دختر باشند و بیش از دو تن، دو سوم میراث از آن‌هاست. و اگر یک دختر بود نصف برد و اگر مرده را فرزندی باشد هر یک از پدر و مادر یک ششم میراث را برد. و اگر فرزندی نداشته باشد و میراث بران تنها پدر و مادر باشند، مادر یک سوم دارائی را برد. اما اگر برادران داشته باشد سهم مادر، پس از انجام وصیتی که کرده و پرداخت وام او یک ششم باشد. و شما نمی‌دانید که از پدران و پسران‌تان کدامیک شما را سودمندتر است. این‌ها حکم خداست، که خدا دانا و حکیم است. (قرآن، سوره نساء، آیه ۱۱)

۱۰- و نیز زنان شوهردار بر شما حرام شده‌اند، مگر آن‌ها که به تصرف شما درآمده باشند (اسرای جنگی). از کتاب خدا پیروی کنید و جز این‌ها زنان دیگر هرگاه در طلب آنان از مال خویش مهری بپردازید و آن‌ها را به نکاح درآورید نه به زنا، بر شما حلال شده‌اند. و زنانی را که از آن‌ها تمتع می‌گیرید واجب است که مهرشان را بدهید. و پس از مهر معین در قبول هرچه دو بدان رضا بدهید گناهی نیست. هر آینه خدا دانا و حکیم است. (قرآن، سوره نساء، آیه ۲۴)

۱۱- زنان مشرک را تا ایمان نیاورده‌اند به زنی نگیرید و کنیز مؤمنه بهتر از آزاد زن مشرک است، هر چند شما را از او خوش آید. و به مردان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند زن مؤمنه مدهید. و بنده مؤمن بهتر از مشرک است، هر چند شما را از او خوش آید. اینان به سوی آتش دعوت می‌کنند و خدا به جانب بهشت و آمرزش. و آیات خود را آشکار بیان می‌کند، باشد که پند گیرند. (قرآن، سوره بقره، آیه ۲۲۱)

۱۲- هرکس را که توانگری نباشد تا آزاد زنان مؤمنه را به نکاح خود در آورد از کنیزان مؤمنه‌ای که مالک آن‌ها هستید به زنی گیرد. و خدا به ایمان شما آگاه‌تر است. همه از جنس همدیگرید. پس بندگان را به اذن صاحبان‌شان نکاح کنید و مهرشان را به نحو شایسته‌ای بدهید. و باید که پاکدامن باشند نه زناکار و نه از آن‌ها که به پنهان دوست می‌گیرند. و چون شوهر کردند، هرگاه مرتکب فحشاء شوند شکنجه آنان نصف شکنجه زنان آزاد است. و این برای کسانی است. از شما که بیم دارند که به رنج افتند. با این همه، اگر صبر کنید برایتان بهتر است و خدا آمرزنده و مهربان است. (قرآن، سوره نساء، آیه ۲۵)

۱۳- از تو فتوی می‌خواهند، بگوی که خدا در باره کلاله برایتان فتوی می‌دهد: هر گاه مردی که فرزندی نداشته باشد بمیرد و او را خواهری باشد، به آن خواهر نصف میراث او می‌رسد اگر خواهر را نیز فرزندی نباشد، برادر از او ارث می‌برد اگر آن خواهران دو تن بودند، دو ثلث دارائی را به ارث می‌برند و اگر چند برادر و خواهر بودند، هر مرد برابر دو زن می‌برد خدا برای شما بیان می‌کند تا گمراه نشوید، و او از هر چیزی آگاه است. (قرآن، سوره نساء، آیه ۱۷۶)

۱۴- ای پیامبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمن بگو که چادر خود را بر خود فرو پشوند. این مناسب‌تر است، تا شناخته شوند و مورد آزار واقع نگردند و خدا آمرزنده و مهربان است. (قرآن، سوره احزاب، آیه ۵۹)

۱۵- ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حقیقت برخی از همسران شما و فرزندان شما دشمن شمایند از آنان بر حذر باشید و اگر ببخشائید و درگذرید و بیامرزید به راستی خدا آمرزنده مهربان است. (قرآن، سوره التغابن، آیه ۱۴)

۱۶- و کسانی که اندام خویش نگه می‌دارند؛ از شهوترانی مگر برای زنان حلال یا کنیزان ملکی خویش، که در این حال ملامتی بر آن‌ها نیست. (قرآن، سوره المعارج، آیات ۲۹ و ۳۰)

۱۷- باید که زنان مطلقه تا سه بار پاک شدن از شوهر کردن باز ایستند و، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارند، روا نیست که آنچه را که خدا در رحم آنان آفریده است پنهان دارند و شوهران زنان در زمان عده حق دارند که آنها را بزنی خود باز رجوع دهند اگر که نیت سازش دارند و برای زنان حقوقی است بر شوهران چنانچه شوهران را بر زنان حقوقی مشروع است لیکن مردان را بر زنان افزونی و برتری خواهد بود و خدا پیروزمند و حکیم است. (قرآن، سوره بقره، آیه ۲۲۸)

قرآن و زنان محمد

قرآن کتابی بر خلاف مدعیان اسلامی‌اش نه آسمانی، بلکه برعکس کاملاً یک کتاب زمینی است و در واقع به یک معنی، برنامه حکومتی محمد بوده است. محمد که مدعی بود این آیه‌ها از سوی خدا به او وحی آمده و امر خداست! در حالی که با توجه به ناآگاهی آن دوران بشر، نه کسی می‌توانست وجود خدا را اثبات کند و نه جرات مخالفت با ادعای محمد را داشت. چون که مخالفت با خدا و رسول خدا، حکم مرگ در برداشت و هنوز هم دارد. بنابراین آیات بسیاری، در خدمت منافع شخصی خود محمد و موقعیت او را ابیان می‌کنند که از زبان خود او جاری شده‌اند:

- ۱- حضرت محمد بیش از ۴ زن عقدی می‌تواند داشته باشد. (قرآن، آیه ۵۰، سوره احزاب)
- ۲- حضرت محمد می‌تواند هر زن مؤمنه‌ای که خود را بدون مهریه و شهود به او ببخشد و حضرت محمد هم به ازدواج با او مایل باشد را به‌عنوان همسر بپذیرد. (قرآن، آیه ۵۰، سوره احزاب)
- ۳- حضرت محمد، نوبت هم‌خوابگی با زنانش را بهر نحوی که صلاح بداند می‌تواند تنظیم و یا مقدم و موخر سازد. (قرآن، آیه ۵۱، سوره احزاب)
- ۴- زنان حضرت محمد از نوبت هم‌خوابگی که حضرت محمد برای آنان قائل می‌شود، باید که محزون نباشند. (قرآن، آیه ۵۱ سوره احزاب)
- ۵- پس از وفات حضرت محمد، کسی نمی‌تواند با زنان حضرت محمد ازدواج نماید. (قرآن، آیه ۵۳ سوره احزاب)
- ۶- زنان حضرت محمد، باید در خانه‌هایشان بنشینند و مانند روزگار جاهلیت آرایش و خودآرائی نکنند. (قرآن، آیه ۳۳، سوره احزاب)
- ۷- هر کس از زنان حضرت محمد، مبادرت به کار زشت آشکاری کند عذابش دو چندان خواهد بود. (قرآن، آیه ۳۰، سوره احزاب)
- ۸- حضرت محمد، نسبت به سایر مؤمنان برتری خواهد داشت. (قرآن، آیه ۶، سوره احزاب)
- ۹- حضرت محمد، می‌تواند با دختران عموی و دختران عمه و دختران دایی و دختران خاله‌اش که با حضرت محمد از وطن خود هجرت کردند، ازدواج کند. (قرآن، آیه ۵۰ سوره احزاب)
- ۱۰- هر کس از زنان حضرت محمد، الله و رسولش را فرمان برد و کار شایسته کند پاداشش را دو چندان می‌دهیم. (قرآن، آیه ۳۱ سوره احزاب)
- ۱۱- حضرت محمد از رعایت عدالت و شناختن حق تساوی برای زنان خود معاف است. (قرآن، آیه ۵۱، سوره احزاب)
- ۱۲- زنان حضرت محمد، از آنچه به ایشان عطاء می‌شود (نفقه) باید همه خشنود باشند. (قرآن، آیه ۵۱، سوره احزاب)
- ۱۳- هرگاه کسی از زنان حضرت محمد متاعی می‌طلبد باید که از پشت پرده با آنان صحبت کنند. (قرآن، آیه ۵۳، سوره احزاب)
- ۱۴- ...

جواز لذت بردن از شیرخوار در فقه اسلامی!

یکی از مسائلی که همواره در رساله‌های روحانیون تأکید شده، بحث جواز لمس و لذت از شیرخوار است. اگر مردی یا زنی با یک شیرخوار ازدواج کند، می‌تواند از او لذت ببرد. در ادامه به نظر آیت‌الله خمینی، بنان‌گذار حکومت اسلامی ایران، رجوع می‌کنیم: این مسأله را بررسی خواهیم کرد.

امام خمینی، تحریر الوسیله، باب النکاح، مسأله ۱۲:

کسی که زوجه‌ای کمتر از نه سال دارد و طی او برای وی جایز نیست چه این‌که زوجه دائمی باشد، و چه منقطع، و اما سایر کامگیری‌ها از قبیل لمس به شهوت و آغوش گرفتن و تفخیز اشکال ندارد هر چند شیرخواره باشد، و اگر قبل از نه سال او را وطی کند اگر افضاء نکرده باشد به غیر از گناه چیزی بر او نیست، و اگر کرده باشد یعنی مجرای بول و مجرای حیض او را یکی کرده باشد و یا مجرای حیض و غائط او را یکی کرده باشد تا ابد وطی او بر وی حرام می‌شود، لکن در صورت دوم حکم بنا بر احتیاط است و در هر حال بنا بر اقوی بخاطر افضاء از همسری او بیرون نمی‌شود در نتیجه همه احکام زوجیت بر او مترتب می‌شود یعنی او از شوهرش و شوهرش از او ارث می‌برد، و نمی‌تواند پنجمین زن دائم بگیرد و ازدواجش با خواهر آن زن بر او حرام است و همچنین سایر احکام، و بر او واجب است مادامی که آن زنده است مخارجش را بپردازد. هر چند طلاقش داده باشد، بلکه هر چند که آن زن بعد از طلاق شوهری دیگری انتخاب کرده باشد که بنا بر احتیاط باید افضاء کننده نفقه او را بدهد، بلکه این حکم خالی از قوت نیست، و نیز بر او واجب است دیه افضاء را که دیه قتل است بآن زن بپردازد اگر آن زن آزاد است نصف دیه مرد را با مهریه‌ای که معین شده و به‌خاطر عقد دخول به‌گردنش آمده به او بدهد، و اگر بعد از تمام شدن نه سال با او جماع کند و او را افضاء نماید حرام ابدی نمی‌شود و دیه به‌گردنش نمی‌آید، لکن نزدیکتر به احتیاط آن است که مادامی که آن زن زنده است نفقه اش را بدهد هر چند که بنا بر اقوی واجب نیست.

احکام نکاح یا ازدواج و زناشویی از رساله امام خمینی

۲۴۱۰: اگر کسی دختر نابالغی را برای خود عقد کند و پیش از آن‌که نه سال دختر تمام شود، با او نزدیکی و دخول کند، چنانچه او را افضاء نماید هیچ وقت نباید با او نزدیکی کند.

۲۴۵۹: مستحب است در شوهر دادن دختری که بالغه است یعنی مکلف شده عجله کنند، حضرت صادق علیه السلام فرمودند: یکی از سعادت‌های مرد آن است که دخترش در خانه او حیض نیبند.

جایگاه زن در دین زرتشت

جنایت‌های بی‌شمار حکومت اسلامی، همچنین تبلیغ گسترده تمامی ادیان و مذاهب سبب شده‌اند که حتی برخی از ایرانیان به شیطان‌پرستی و همچنین کوروش و زرتشت روی آورده‌اند.

«کوروش»، دیروز توسط احمدی‌نژاد و رحیم مثنائی و امروز توسط ناسیونالیست و ملغمه‌ای از گرایش‌ها به اصطلاح ملی- مذهبی، به روی صحنه آورده می‌شود. در همین راستا تبلیغ زرتشتی‌گری، برچسب‌های لوگوی زرتشتی در سطح گسترده‌ای و در قالب‌های متفاوتی از مدالیوم گرفته تا پوستر برای مغازه‌ها، تولید و توزیع و... می‌شود.

روزی روزگاری محمدرضا پهلوی در دوره تاجگذاری خود گفته بود: «کوروش آسوده بخواب که ما بیداریم!» به این ترتیب، داستان‌های زیادی در مورد کوروش، از جمله نسبت دادن لوح حقوق بشر به او و... ساخته و پرداخته می‌شود.

زرتشت هم مانند محمد در سه هزار سال پیش، خود را پیامبر اعلام کرد و تاریخ مدون و معینی قابل اتکائی نیز وجود ندارد که کسی بخواد درباره آن دست به تجزیه و تحلیل درستی بزند.

در حالی که این نیز همانند دین‌های دیگر زن‌ستیز بوده است. کتاب «وندیداد»، بخشی از اوستاست که متفکرین شرق و غرب معتقدند وندیداد گفتار شفاهی اهورا مزدا و زرتشت است. در کتاب وندیداد آمده است:

«هر گاه زن در خانه مزدا پرست نشان حیض ببیند باید یک معبر در خانه که از گیاه و درخت خالی باشد انتخاب نماید و زمین آن را سنگ ریزه نرم بپاشد و آن را از نصف، از سه یک، از چهار یک یا از پنج یک خانه جدا سازند و الا ممکن است دید زن به آتش افتد و باید از آتش سی گام، از آب سی گام، از شاخه برسم (شاخه‌های تازه بریده درخت) سی گام، از مرد پارسا باید سی گام فاصله داشته باشد. مردی که برای این زن غذا و خوراک به همراه آورد باید سه گام از او فاصله بگیرد و دو قطعه نان خشک و یک مقدار آب جو به اندازه‌های که ضعیف نشود! هر گاه کودک او را لمس کند باید دست‌ها و سپس او را شستشو دهند. هر گاه او بیش از نه روز حیض ببیند سه سوراخ در زمین بکنند و زن را در دو سوراخ اول با ادرار گاو و در سوراخ سوم با آب بشویند.

در وندیداد، احکام عجیب و غریبی آمده است. این احکام و به‌ویژه احکام عجیبی که در خصوص زنان بیان شده، مستندا در وندیداد آمده و چند دستور و قانون در مورد عدم تفاوت میان زن و مرد، نمی‌تواند چنین احکامی را که صرفا در خصوص زنان است، توجیه نماید یا نادیده انگارد.

از جمله آن که در وندیداد می‌خوانیم:

«ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم مردی که برای این زن غذا و خوراک همراه آورد -زنی که نشان حیض دیده و یا در قاعدگی زنانه باشد- باید از وی در چه فاصله باشد؟

اهورامزدا پاسخ داد و گفت: مردی که برای این زن غذا و خوراک همراه آورد -زنی که نشان حیض دیده و یا در قاعدگی باشد- باید از وی سه گام فاصله داشته باشد.

در وندیداد نسبت به زنانی که حائض شده اند چنین آمده است:

«این زن هرگاه پس از نه شب باز هم در خون حیض باشد چنین معلوم خواهد شد که دیوها در جشن و بزرگداشت خودشان آفت خود را به این زن نازل ساخته‌اند. مزداپرستان در این موقع باید یک معبر (گذرگاه) که از درخت و گیاه خالی باشد انتخاب نمایند و سه سوراخ در زمین بکنند و زن را در دو سوراخ اول با شاش گاو و در سوراخ سوم با آب شستشو دهند». (وندیداد، دکتر جوان، ص ۲۴۰). البته این شستشو ویژه زن حائض نیست، وضوء با گمیز یا گومز یعنی ادرار گاو! در آئین زرتشت شهرت دارد (وندیداد، پژوهش هاشم رضی، ج ۳ ص ۷۲۵)

در وندیداد، تکلیف زنی را که کودکی مرده بزاید چنین تعیین کرده است:

«ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، نخستین خوراک و غذای این زن چه خواهد بود؟ اهورامزدا پاسخ داد و گفت: این زن باید یک مقدار خاکستر آمیخته با شاش گاو به اندازه سه لقمه، شش لقمه یا نه لقمه میل کند». (وندیداد، دکتر جوان، ص ۱۲۸)

این‌ها تماما بخشی از احکامی که در آئین زردشت نسبت به زن روا داشته می‌شده است. طبق متون زرتشتی ساسانی و به ویژه «ماتیگان هزار دادستان»، زنان اموال و مایملک مرد دانسته می‌شده و بهائی معین داشته‌اند. بهائی که معمولا برابر با قیمت یک مرد برده، یعنی در حدود ۲۰۰۰ سکه نقره بوده است. این نکته همچنین از نخستین شواهد پیدائی برده‌داری در ایران عصر ساسانی حکایت می‌کند. (بنگرید به مدخل «برده و برده‌داری» Barda Bardadari، در دانشنامه ایرانیکا)

موبدان زرتشتی ساسانی از دل‌نگرانی عمیقی نسبت به زنان رنج می‌برده‌اند و آنان زنان را عامل اصلی انحراف مرد از وظایف دینی می‌دانسته‌اند. شاید این نگرانی‌ها از آنجا ناشی می‌شده که زنان در برابر آنان مقاومت و سرسختی بیش‌تری نشان می‌داده‌اند.

در کتاب پهلوی «بند‌هش»، زنان از تبار دیوان شرور دانسته شده‌اند، در «اندرزهای آذرباد مهرسپندان» موبد بزرگ عصر شاپور دوم (که هنوز هم در نیایش‌خوانی‌ها به فروهرش درود فرستاده می‌شود) از بی‌خردی و رازگشائی و اعتمادناپذیر بودن زنان سخن رفته است. (آذرباد مهرسپندان، رهام اشه، بخش‌های گوناگون)

زندانی کردن زنان به هنگام زائیدن طفل مرده نیز رایج بود. در این هنگام مزدپرستان زرتشتی می‌باید در جایی بی‌آب و علف، اتاقکی بسازند و زن را به آنجا ببرند. زن موظف بود در آن اتاقک چند جام از آمیخته پیشاب گاو نر با خاکستر را بنوشد در حالی‌که تا سه روز حق نوشیدن آب را نداشته است. (وندیداد، در مجموعه اوستا، گزارش استاد جلیل دوستخواه، جلد دوم، ص ۷۱۳ تا ۷۱۶)

به اعتقاد زرتشتیان، عادت ماهیانه زن، اثر اهریمنی بود که در زن پدیدار می‌شد زیرا در این ایام، اهریمن به زن نزدیک می‌شد و او را پلید می‌ساخت بنابراین مردان چون دچار چنین حالتی نمی‌شدند از زنان پاک‌تر بودند. (راوندی، مرتضی، ۱۳۴۰، تاریخ اجتماعی ایران، چاپ سوم، تهران: سپهر)

همچنین آرایش زنان در دین زرتشت، امر قبیح به شمار می‌آید اما شواهد باستانی حاکی از این است که، زنان اشراف خود را می‌آراستند و از زینت‌آلات برای زیبایی خود استفاده می‌نمودند.

همان‌طور که گفته شد زن در ادیان توحیدی و غیرتوحیدی دارای جایگاه و منزلت متفاوت و در عین حال فروستی دارد. در آئین بودا، زن مانند تمساح و نهنگ مخوف در رود زندگی منتظر می‌نشیند تا شناوری را شکار کند. در آئین یهود، زن هیچ منزلتی ندارد. اسلام زن را به عنوان یک انسان کامل و مستقل به رسمیت نمی‌شناسد و... بنابراین، شکی نیست که تمام پیامبران، امامان و خدای کشف شده توسط محمد، همگی مرد و مبلغ سرسخت مردسالاری و خشونت بر زنانی هستند که از مردان خود تبعیت نمی‌کنند. به عبارت دیگر، آن‌ها به هیچ‌وجه مدافع ارزش و مقام زن نبوده و نیستند. زن در اسلام، به اندازه‌ای کم ارزش است که آن‌ها در جنگ‌ها مانند دیگری غنایم جنگی محسوب می‌شوند و صاحبان آن‌ها بر کاری خواستند از تجاوز و فروش و بردگی بر سر آنان بیاورند رضایت و حمایت خدای‌شان را پشت سر خود دارند.

به‌علاوه، اگر پیامبران و امامان و خلفای اسلامی ۱۴۰۰ سال پیش محمد و علی و عمر و ابوبکر و عثمان و حسن و حسن و ... بودند پیامبران و امامان و خلفای امروزی خامنه‌ای، روحانی، ملک سلمان، اردوغان، العبادی، البغدادی، شیخ نصرالله، خاخام‌ها و پاپ‌ها و غیره هستند. به عبارت دیگر هر کدام از این‌ها، جانپان مستبد و تروریست دوران خود بودند و هنوز هم هستند!

در نزد این گرایش‌های رنگارنگ مذهبی، اصولاً زن برده جنسی و مطیع مرد و قوانین و مقررات سنتی مذهبی و دینی است و یا زن موجودی شر، مضر، وسوسه‌ای طبیعی و شیطانی مانند «حوا» هستند است که آدم را طوری گول زد که خشم بی‌سابقه خداوند را برانگیخت تا آن‌ها را از بهشت براند!

نظر کلی مذاهب کمابیش زن‌ستیز و آزادی‌ستیز است. از این‌رو، کلیه حکومت‌ها و گروه‌های اسلامی نیز همین سیاست‌های ارتجاعی و قرون وسطائی دارند. آن‌ها حتی مبلغ این جنایت بزرگ هستند که در جنگ‌ها و زنان و کودکان به‌عنوان غنایم جنگی به حساب می‌آیند و به‌همین دلیل، می‌توان آن‌ها را به‌بردگی جنسی گرفت و مانند کنیز در بازارها

فروخت و بین فرماندهان و لشکریان پیروز تقسیم کرد. و یا می‌توان دختر بچه‌های نه ساله را به عقد خود درآورد. همچنین مردان می‌توانند دست‌کم چهار زن و بی‌نهایت صیغه داشته باشند. اما اگر زنی نیم‌نگاهی به مرد «نامحرم» کرد مجرم است. این‌ها همان سنت‌ها و قوانین شبه‌حکومت قبیله‌ای و مذهبی محمد و علی در شبه‌جزیره عربستان در دوران جاهلیت بشر بوده است و الان اعمال چنین شیوه‌ها و قوانین اسلامی در قرن بیست و یکم شرم‌آور بوده و جنایتی بیش نیستند!

با توجه به همه فاکت‌ها و مسایلی که در بالا به‌عنوان نمونه‌هایی بدان‌ها اشاره کردیم بی‌تردید مذهب باید یک امر کاملاً شخصی تلقی شود و حتی در زندگی شخصی نیز نباید والدین با اتکا به تفکر مذهبی‌شان، تبعیضی بین فرزند پسر و دختر و همچنین زن و مرد قائل شوند.

همچنین هیچ مذهبی نباید مقدس شمرده شود و نقد مذهب، مانند نقد هر مسأله دیگری آزاد و بدون محدودیت اخلاقی و قانونی و تعصب باشد. همچنین افراد در انتخاب و یا عدم انتخاب دین باید از آزادی کامل برخوردار باشند.

جدائی دین از دولت، به‌ویژه سیستم آموزش و پرورش و سیستم قضائی، به ویژه در کشوری همچون ایران، از جمله خواسته‌هایی هستند که جنبش‌های اجتماعی آزادی‌خواه و برابری‌طلبی مانند جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویان و جوانان و همه نیروهای سکولار و مترقی، نباید نسبت به آن غافل باشند. بر این اساس، ضروری است که در همه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، علیه همه افکار و آرا و عرف و عادت و سنت و قوانین عقب‌مانده و خرافی مذهبی، ملی، مردسالاری، شوونیستی، فاشیستی و نژادپرستی و زن‌سیزی، مبارزه‌ای پیگیر و مداوم سیاسی و فرهنگی سازمان‌دهی شود تا افکار عمومی، به‌هیچ وجه تن به این خرافات انسان‌ستیز و آزادی‌ستیز ندهد.

سه‌شنبه دوم آذر [قوس] ۱۳۹۵ - بیست و دوم نومبر ۲۰۱۶